

بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم
و الحمد لله ربَّ العالمين و الصَّلَاة و السَّلَام على سَيِّدنا و نَبِيِّنا ابي القاسم المصطفى مُحَمَّد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين
المعصومين المطهرين سَيِّما بَقِيَّة الله في الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مردم سرافراز قم، فضایی محترم حوزه‌ی برجسته‌ی قم. حقیقتاً جمع شما، دیدار شما، روز شما، ماهی امید، ماهی نشاط، ماهی حرکت، و درس‌آموز است در همه‌ی این سالهای متمادی. فرصت روز نوزدهم دی، تنها تجلیل و تکریم و تمجید از مردم قم نیست، اگرچه این [کار] حقاً جا دارد؛ واقعاً باید از مردم قم، از جوانهای قم که این حرکت عظیم را به راه انداختند، این نقطه‌ی عطف تاریخی را به وجود آوردند که هرگز فراموش نخواهد شد، تمجید کرد؛ در این شکی نیست. قم همان جایی است که سرچشمه‌ای شد برای یک شطّ جوشان حرکت و مقّده‌ای شد برای آن دریای متلاطم انقلاب که کار کوچکی نبود. قم شهر انقلاب است، مرکز انقلاب است، مادر انقلاب است.

البته من این را همین جا در پرانتز عرض کنم که انگیزه‌هایی وجود دارد برای اینکه فضای انقلابی قم را تغییر بدهند و روحیه‌ی انقلابی قم و روحیه‌ی دینی قم را کمرنگ کنند؛ انگیزه‌هایی وجود دارد. از کید دشمن در همه‌ی جنبه‌ها و جوانب نباید غافل شد: از جنبه‌ی اقتصادی که کید و مکر و دشمنی میکند، نباید از کید و مکر و دشمنی او در جنبه‌ی فرهنگی غافل شد؛ مشغولند، انگیزه‌هایی دارند، عواملی را می‌فرستند؛ باید به این توجّه کرد. بزرگان قم، جوانان قم باید نگذارند تا دستهای خائن، قم را از مرکزیت انقلاب، از کانون انقلاب بودن بی‌آورند و این معانی را در آن کمرنگ کنند. به هر حال قم آن سرچشمه‌ی اصلی است و حوزه‌ی قم آن پشتوانه‌ی معنوی است برای این حرکتی که دنیا را تغییر داد، دنیا را تکان داد و همچنان این حرکت ادامه دارد و هنوز در آغاز راهیم.

پس روز نوزدهم دی برای تمجید و اجلال مردم قم روز مناسبی است، فرصت مناسبی است اما فقط این نیست؛ نوزدهم دی درسهایی دارد برای امروز ما. من حالا یک بخش کوتاه از آنچه را به نظر میرسد در دل این حرکت میتوان مطالعه کرد و تحقیق کرد و بررسی کرد، عرض میکنم. جوانها توجّه کنند؛ این حقایق را بخصوص جوانهای ما بایستی مورد توجّه قرار بدهند چون کار مال شما جوانها است، آینده هم متعلّق به شما است.

در دهم دی ماه سال ۵۶، رئیس‌جمهور آمریکا آمد در تهران و یک نطق غرّانی (۱) کرد در تمجید اغراق‌آمیز و دروغین از محمّدرضا. در این نطق غرّاء گفت «ایران جزیره‌ی ثبات است»؛ یعنی چه؟ یعنی خیال آمریکا از ایران وابسته و مسئولان نوکرمآب ایران آسوده است؛ اینجا جزیره‌ی ثبات است -این مال دهم دی ماه است- ده روز نشده بود که قضیه‌ی قم اتفاق افتاد و نوزدهم دی ماه مردم قم قیام کردند، حرکت کردند، با جان خود، با تن خود علیه آن رژیم ظالم و وابسته و فاسد به میدان آمدند. دستگاه محاسباتی آمریکا و غرب این است؛ این را توجّه کنید. خود غربی‌ها، خود آمریکایی‌ها می‌بالند به قدرت محاسباتی خودشان، به قدرت تحلیل خودشان، به آینده‌نگری خودشان، و اینجا هم یک عده غرب‌زده‌ی آمریکازده پُر قدرت محاسباتی آمریکا را میدهند که «آمریکایی‌ها این جور گفتند، فلان دانشمند آمریکایی، فلان مرکز پژوهشی آمریکایی این جور گفته، این جور دنیا را شناخته، این جور آینده را تصویر کرده». قدرت محاسباتی آمریکا این است [که میگوید] «اینجا جزیره‌ی ثبات است»، کمتر از ده روز بعد معلوم میشود که جزیره‌ی ثبات یعنی چه؛ قیام قم، بعد قیام تبریز، بعد حرکت عظیم، بعد آن طوفان زیر و رو کننده‌ی انقلاب اسلامی و نابودی رژیم وابسته‌ی سرسپرده‌ی طاغوت و پهلوی [رخ میدهد]؛ (۲) این قدرت محاسباتی، این توانایی محاسباتی تا امروز همان جور است. همین چندی پیش در همین نزدیکی، یکی از دولتمردان آمریکایی (۳) در جمع یک مشت اوباش و تروریست گفت امیدوار است یا آرزو دارد که جشن کریسمس ۲۰۱۹ را در تهران بگیرد؛ جشن کریسمس ۲۰۱۹ همین چند روز پیش بود. این همان قدرت محاسباتی است، اینها همان آدم‌هایند. محاسبات آنها اقتضا میکند که یک چنین امیدی داشته باشند؛ مثل امید صدام‌حسین که [میخواست] یک هفته‌ای بیاید تهران، مثل امید مزدور دیگرشان منافقین که از کرمانشاه راه بیفتند در ظرف سه روز مستقیم خودشان را برسانند تهران؛ اینها محاسبات است! توانایی محاسبات دشمن این است. بعضی از دولتمردان آمریکا وانمود میکنند دیوانه‌اند؛ بنده البته این را قبول ندارم، اما حقیقتاً احمقهای درجه‌ی یک هستند.

قیام مردم قم صف‌بندی دو دستگاه محاسباتی، صف‌بندی دو نظام معرفتی، صف‌بندی دو الگوی تحلیلی در مقابل یکدیگر را نشان داد: یکی نظام معرفتی لیبرال‌دموکراسی دروغین پای‌درِ گل غربی، یکی نظام معرفتی توحیدی اسلامی؛ تقابل دو دستگاه پیش‌بینی و تقویم و محاسباتی را نشان داد: آن دستگاه محاسباتی آمریکا که ایران را آن جور می‌بیند با آن محاسبات اول کار آمریکایی‌ها که سنای آمریکا در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، ایران را تحریم کرد و بنا را بر این گذاشتند که تا پنج ماه دیگر، شش ماه دیگر، انقلاب اسلامی از بین خواهد رفت -این محاسبات آنها است- این هم دستگاه محاسباتی نظام اسلامی که امام بزرگوار گفت «صدای خرد شدن استخوانهای مارکسیسم را دارم می‌شنوم» (۴) و یک سال بعد، دو سال بعد، همه‌ی دنیا صدای خرد شدن این استخوانها را شنیدند؛ مسئله این است. غرب در مقابل یک چنین پدیده‌ای قرار گرفته است؛ پدیده‌ی انقلاب اسلامی. یک طرف انبوهی از ابزارهای چشم‌پُرکن مادی -از نظامی و سیاسی و پولی و امثال اینها- و یک طرف یک قدرت نوظهور معرفتی و تمدّنی، پُرانگیزه، پُر تحرّک، آینده‌نگر که میدانند چه کار می‌خواهد بکند، میدانند چه کار باید بکند و کجا می‌خواهد برود؛ اینها در مقابل هم قرار گرفته‌اند.

دشمنی نظام استکباری غرب و آمریکا با این پدیده‌ی نوظهور روبه‌رشد یک امر طبیعی است؛ [بعضی‌ها] تعجب نکنند. بعضی‌ها به نظر من خودشان را به نفهمی می‌زنند -شاید هم جور دیگر است- [می‌گویند] «چرا شما فلان حرف را زدید که آمریکا با شما دشمن بشود؟»؛ خیال می‌کنند دشمنی آمریکا به خاطر فلان فرمایش امام یا فلان حرف فلان مسئول است که به آمریکا بدگویی کرده. قضیه این نیست؛ قضیه چیز دیگر است؛ قضیه از این عمیق‌تر است. چهل سال است که این قدرت جوان دارد حرکت می‌کند، دارد روزبه‌روز رشد می‌کند، پرورش پیدا می‌کند، روزبه‌روز تنومندتر دارد می‌شود، قدرتمندتر دارد می‌شود؛ این را دارند می‌بینند جلوی چشمشان. با ظهور این قدرت معنوی نوظهور پرتلاش پُرانگیزه، با ظهور این پدیده‌ی عجیب و معنوی که دنیا آن را نمی‌شناخت، قدرت ظاهری استکبار ترک خورد؛ در این چهل سال، این ترک دائم دارد عمیق‌تر می‌شود. ثروتمندترین دولتهای دنیا، امروز مقروض‌ترین و گرفتارترین دولتهای دنیا است؛ اینها شوخی است؟ اینها همان نکاتی است که جوانهای ما باید روی آنها متمرکز بشوند. بحث صفتبندی زبانی این مسئول و آن مسئول نیست؛ بحث هویتها است، بحث حرکتها است، بحث آرمانها و آینده‌ها است.

البته آنها ضربه خورده‌اند؛ در درجه‌ی اول برای اینکه لقمه‌ی چرب و نرم ایران از دستشان رفت. ایران که فلان کشور دورافتاده‌ی آفریقای یا آمریکای لاتین یا غیره نیست؛ ایران قلعه‌ی موقعیت راهبردی جغرافیایی است در دنیا؛ [یک] مرکز بسیار مهم که هیچ نقطه‌ی جغرافیایی در غرب آسیا در این منطقه به اهمیت ایران وجود ندارد. کمتر سرزمینی به قدر ایران دارای ثروتهای مادی و توانایی‌های گوناگون است؛ این را خودشان اعتراف می‌کنند. همین چند روز قبل از این یک مؤسسه‌ی غربی برای اینکه به این حقیر بدگویی کند، یک چیزی گفته بود، اعتراف کرده بود که ایران پنجمین کشور ثروتمند دنیا است؛ این حرفش درست است؛ ایران این جور است؛ ظرفیتهای ما فوق‌العاده است. این لقمه‌ی چرب و نرم را از دست دادند و عصبانیت اول به خاطر این بود و البته این همچنان ادامه دارد.

اما مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی تقابل دو حرکت است؛ تقابل حق و باطل است: جاء الحق و ما یُبدی الباطل و ما یُعید؛ (۵) (که الان این قاری محترم تلاوت کردند این آیه را) حق وقتی که آمد، باطل به طور طبیعی، به خود می‌لرزد. اینها استکبارند، اینها استعمارند و تنفس اینها، تغذیه‌ی اینها با خون ملتها است؛ حالا یک قدرتی پیدا شده است در دنیا که با این پدیده‌ی ظالمانه مخالف است، مخالفت می‌کند، زیر بار آنها نمی‌رود، تا آنجایی که بتواند صدا را به گوش ملتها میرساند، تا امروز هم موفق بوده. ما در این چهل سال تا امروز موفق بودیم. شما ببینید در کدام کشورها در بین ملتها، فریاد مرگ بر آمریکا بلند می‌شود؟ این سابقه نداشت. حرکت عظیم ملت ایران، اینها را می‌ترساند، قدرتمندان مادی ظالم زورگو را می‌ترساند، کمپانی‌های بین‌المللی مکنده‌ی خون ملتها را می‌ترساند؛ می‌بینند که به پایان راه رسیده‌اند. بله، حفره‌های معنوی در تمدنها خیلی زود خودش را نشان نمی‌دهد؛ غرب خب یک حرکتی کرد، حرکت صنعتی کرد، علم پیدا کرد، ثروت پیدا کرد، دنیا را گرفت، هياهو کرد اما آن رخنه‌ی اصلی و اساسی، رخنه‌ی معنوی در درون او، مثل موربانه کار خودش را می‌کند. منتها زود نشان نمی‌دهد؛ گاهی بعد از قرن‌ها نشان می‌دهد خودش را؛ حالا دارد نشان می‌دهد، الان دارد نشان می‌دهد؛ شما اروپا را نگاه کنید، آمریکا یک جور، اروپا یک جور، کشورهای تابع آنها یک جور؛ آن وقت در این دنیای این‌چنینی، اسلام، مردم‌سالاری اسلامی، حرکت اسلامی، تمدن اسلامی با استفاده‌ی از امکانات کنونی دنیا و ابزارهای موجود دنیا روزبه‌روز دارد رشد پیدا می‌کند؛ این برای آنها ترس‌آور است، رعب‌آور است؛ طبیعی است که دشمنی می‌کنند.

خب، دو نکته در اینجا وجود دارد: یک نکته همین مسئله‌ی علت دشمنی است. سهل‌انگاری نباید کرد، سهل‌اندیشی نباید کرد؛ علت دشمنی، ماهیت و حقیقت این حرکت عظیم است؛ این علت دشمنی است. علت دشمنی، شجاعت و فداکاری ملت ایران است، وفاداری ملت ایران است؛ اینها علت دشمنی است. علت دشمنی، پابندی جمهوری اسلامی به مبانی اصلی انقلاب است که این پابندی تا امروز به طور کامل محفوظ مانده است؛ علت دشمنی اینها است. علت دشمنی، این است که جمهوری اسلامی دارد نشان می‌دهد که یک تمدنی در حال رشد و بالندگی است که اگر به توفیق الهی و به کمک الهی به نتایج خودش برسد، بساط ظلم و استکبار و استعمار دولتهای غربی برچیده خواهد شد؛ علت دشمنی اینها است.

ملت‌ها با ایران دشمنی ندارند، ملت‌های غربی هم دشمنی ندارند. حالا ممکن است تبلیغات بکنند، اسلام‌هراسی یک جا، ایران‌هراسی یک جا، شیعه‌هراسی [یک جا] بکنند لکن آنجایی که حقیقت برای مردم روشن بشود، مردم نه فقط دشمنی ندارند با جمهوری اسلامی بلکه این چنین حرکتی را ملت‌ها می‌پسندند، ملت‌ها دوست میدارند، ملت‌ها از آن حمایت می‌کنند. آن که دشمن است، قدرتمندان ظالماند، فراعنه‌ی عالمند؛ همچنان که فرعون در مقابل موسی دشمنی میکرد و [این را] هم میدانست که موسی حق است -قرآن تصریح دارد که میدانست که موسی حق است اما دشمنی میکرد- خدای متعال به موسی فرمود: لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى؛ (۶) من با شما هستم، بروید حرکتتان را شروع کنید، ادامه بدهید. بله، فرعون بر روی تخت قدرت و سلطنت نشسته است، رعب‌آور است، ترسناک است اما شما بروید کار خودتان را بکنید، إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى؛ عیناً این خطاب، امروز به ملت ایران است؛ پس علت دشمنی، این است.

نکته‌ی دوم این است که نتیجه‌ی این دشمنی چیست؟ نتیجه‌ی این دشمنی این است که هر کس خدا با او است، او پیروز است چون قدرت متعلق به ذات مقدس پروردگار است. [اگر] ما با خدا باشیم، پیروزی، قطعی صددرصد است، هیچ تردیدی در آن نیست. یک جاهایی ما کوتاهی کردیم، خب پیروزی به دست نیاوردیم؛ این بر اثر کوتاهی ما است، بر اثر بد عمل

کردن ما است. آنجایی که ما درست عمل کنیم، درست حرکت بکنیم -مسئولان ما یک جور، مردم ما یک جور- و حرکت، حرکتِ درستی باشد، آنجا بلاشک خدای متعال کمک میکند؛ وَ لَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ (۷) تردیدی در اینجا نیست.

خب، چهل سال [از انقلاب] گذشته است. چهل سال زمان زیادی نیست؛ برای عمر تمدن‌ها چهل‌سالگی آغاز بلوغ و حرکت فکری است. چهل‌سالگی دوران پیری نیست [بلکه] دوران شکوفایی است و این شکوفایی ان‌شاءالله وجود خواهد داشت. زمینه‌های این شکوفایی را انسان دارد مشاهده میکند؛ امروز بحمدالله ایمان دینی در کشور ما خوب است، عزم راسخ در بین ملت ما خوب است، حضور و آمادگی در میان مردم خوب است، جوانان باایمان و دارای عزم راسخ کم نیستند، زیادند -بنده می‌شناسم؛ البته همه را هم نمی‌شناسم اما هزاران جوان در اطراف و اکناف کشور مشغول کارهای عمیق، کارهای فکری [هستند]- جوانان دانشمند، جوانان با عزم راسخ، مشغول ساختن، مشغول تولید کردن، مشغول ابتکار و نوآوری هستند در سرتاسر کشور؛ اینها آینده‌سازند؛ ایمانشان خوب و قوی، توکلشان بالا، اعتمادشان به خدا زیاد، امیدشان به آینده درخشان، بصیرتشان خوب؛ اینها هستند در بین مردم و کم نیستند -من «هزاران نفر» که گفتم، دایره‌ی ارتباط و معرفت خودم را گفتم اما ده‌ها برابر این هستند؛ زیادند- جوانهای ما آماده‌اند. اساس همه‌ی اینها هم لطف و فیض پروردگار است. خداوند متعال اگر اراده نکرده بود که این کار پیش برود، این مقدمات را فراهم نمی‌کرد. امام بزرگوار در یک برهه‌ای -متأسفانه جزئیات یادم نیست- از اینکه یک کاری بسهولت انجام گرفته است، استنتاج کرده بودند که خدای متعال میخواهد این کار انجام بگیرد: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئاً هَيَّأَ سُبُلَهُ؛ مقدمات کار که فراهم میشود، پیدا است خدای متعال اراده فرموده است این کار انجام بگیرد. مقدمات کار، ایجاد انقلاب است، تشکیل جمهوری اسلامی است، تشکیل نظام اسلامی است؛ اینها مقدمات کار است برای ایجاد آن تمدن اسلامی متناسب با این زمان و با این قرن. اینها مقدماتی است که خدای متعال فراهم کرده است که به آنجا برسیم و ان‌شاءالله خواهیم رسید.

خب، من دو خطاب دارم: یک خطاب به مسئولان و دولتمردان و مانند اینها، یک خطاب به مردم عزیزمان. به دولتمردان عرض میکنم که اولاً قدر موقعیتهای خودتان را بدانید. اینکه شما در فلان مسئولیت مشغولید، نعمت بزرگ خدا است. [اینکه] انسان بتواند مسئولیت داشته باشد و کار کند برای یک چنین اهدافی، برای یک چنین ملتی، برای یک چنین کشوری، این نعمت بزرگ پروردگار است؛ قدر این را باید بدانند و شاکر باشند. ثانیاً به لوازم این نعمت بزرگ عمل بکنند؛ مراقبت بکنند گرایش به رفتار غلط، گرایش به اشرافی‌گری، گرایش به اسراف، گرایش به آن چیزی که در بین دولتمردان طاغوتی رایج است، پیدا نشود؛ این وظیفه‌ی دولتمردان ما است. راه، راه اسلام است؛ حکومت اسلامی. ما مثل امیرالمؤمنین نمیتوانیم عمل کنیم اما میتوانیم آن را یک مسیری بشناسیم و بدانیم که به آن طرف میشود حرکت کرد، در سایه‌ی آن راه باید حرکت بکنیم.

شجاعت و عقلانیت. این هم یک وظیفه‌ی دیگر مسئولین است؛ هم شجاع باشند، در مقابل توپ و تشر این و آن پس نزنند، آنچه را صحیح است، آنچه را باید انجام بدهند، در مقابل یاومگویی‌های این دولتمردان آمریکایی و اروپایی و دیگران، آن را از دست ندهند؛ می‌بینید که چه بی‌ربط حرف می‌زنند؛ حرفهایشان واقعاً گاهی مثل دلقک است. دولتمرد آمریکایی -میخواهد ما را مثلاً در دنیا هو کند می‌آید- میگوید ایران حقوق بشر را از عربستان سعودی یاد بگیرد! به این آدم چه میشود گفت؟ غیر از دلقک حرف دیگری میشود زد؟ عنوان دیگری میشود داد؟ این آدم و این جور آدمها نه تهدیدشان، نه وعده‌شان، نه قولشان، نه امضاشان اعتبار ندارد. به اینها نباید اعتنا کرد، شجاعانه در طریق صحیح باید حرکت کرد؛ و [همین طور با] عقلانیت؛ با احساسات نمیشود حرکت کرد، اداره‌ی یک کشور با صرف احساسات امکان‌پذیر نیست. احساسات خیلی لازم است اما در مقام پشتیبانی عقلانیت؛ راه را با عقلانیت انتخاب بکنیم، با انگیزه و احساسات پیش برویم.

یک وظیفه‌ی دیگری که مسئولین ما باید به آن توجه داشته باشند، قردانی از ظرفیتهای درونی و داخلی کشور و شناخت این ظرفیتهای است. بسیاری از این ظرفیتهای وقتی ما آنها را شناسیم متوقف میماند؛ کمااینکه متأسفانه همین هم اتفاق افتاده است؛ خیلی از ظرفیتهای را [نشناخته‌ایم]، از جمله ظرفیت همین جوانهای خوب را. گره‌هایی در کار برخی از مسئولان در بخشی از تشکیلات عظیم دولتی و حکومتی وجود دارد که این جوانها میتوانند این گره‌ها را باز کنند؛ هم با سرانگشت اندیشه‌ی جوانانه‌ی تابناکشان، هم با سرانگشت کار عملی‌شان میتوانند این گره‌ها را باز کنند؛ قدر جوانها را بدانند، به جوانها مراجعه کنند، از نظرات آنها استفاده کنند. غالب جاهایی که از نظرات آنها استفاده کردیم و بهره‌مند شدیم، به موقفیت دست پیدا کردیم. قدر جوانها را بدانند، قدر بلندپروازی‌های جوانها را هم بدانند. جوانها بلندپروازند، ایرادی ندارد؛ همین بلندپروازی‌ها است که یک ملت را جلو میبرد و از توقف [بازمیدارد]. از هیاهوی غربی‌ها هم بیمی به دلشان راه ندهند.

به مسئله‌ی معیشت مردم یک اهتمام ویژه مصروف کنند؛ امروز مهمترین کار و اولویت این است، چون دشمن روی این متمرکز است؛ معیشت طبقات ضعیف. مشکلاتی که برای طبقات ضعیف در امر معیشت پیش می‌آید، جزو اساسی‌ترین کارها است برای مسئولان کشور، مسئولان دولتی، عمدتاً مسئولان دولتی؛ این مهمترین کارها است. ممکن است منابع داخلی کم باشد اما انسان مشاهده میکند که در درون کشور افرادی هستند، جریاناتی هستند که این منابع را ظالمانه میبلعند؛ این دلال‌بازی‌ها، این انحصارطلبی‌هایی که در زمینه‌ی مسائل مادی، در تجارت و غیره وجود دارد، مانع پیشرفت کشور است. ما دائم تأکید میکنیم به تولید داخلی، فلان دلال وارداتی چون برخلاف منافع است، می‌رود از طرق مختلف کارشکنی میکند و انسان میبیند [کار] به نتیجه نمیرسد. رسیدگی به معیشت مردم فقط این نیست که ما پول پخش کنیم؛ نگاه کردن به این بخشهای مضر و خطرناک و

جلوگیری از آنها، جزو مسائل مهم است. ما این را به مسئولین کشور با خصوصیات، گاهی با جزئیات در مجالس کاری تذکر داده‌ایم، تأکید کرده‌ایم، باز هم تأکید میکنیم؛ اینها حرفهایی است که ما با مسئولین داریم.

[اما خطاب] با مردم. اولاً مردم عزیز به مسئولان باید کمک کنند، همه باید کمک کنند. اگر چنانچه بحث تقویت تولید داخلی و محصول داخلی میشود، یک بخش مهمش مربوط به مردم است. تولیدکننده‌ی محصول داخلی، مصرف‌کننده‌ی محصول داخلی، فروشنده و دکان‌داری که محصول داخلی را میفروشد، اینها همه میتوانند اثرگذار باشند. کیفیت تولید، نحوه‌ی توزیع، اینها چیزهای مهمی است. خب ما امسال را سال «تولید کالای ایرانی» و تأکید بر روی کالای ایرانی اعلام کردیم، حالا آخر سال است؛ چقدر در این زمینه [کار شد]؟ البته کارهایی شده اما چقدر پیش رفتیم؟ باید پیش برویم در این زمینه‌ها. مردم میتوانند در این باره کمک کنند، در کارهای خیر میتوانند همکاری کنند.

از جمله‌ی کارهایی که مردم میتوانند به بهترین وجهی در خدمت به کشور انجام بدهند، حضور در صحنه‌های انقلاب است؛ از جمله‌ی کارهایی که مردم میتوانند انجام بدهند، مواجهه و مقابله‌ی با شایعه‌سازی دشمن است. امروز یکی از شگردهای فعال دشمن، شایعه‌سازی است که مردم را مضطرب کنند، مردم را با هم مخالف کنند، علیه این و آن تهمت بزنند، مردم را به جان یکدیگر بیندازند که البته چنین اتفاقی نمی‌افتد به توفیق الهی؛ اما آنها قصدشان این است؛ مردم باید هوشیار باشند، متوجه باشند. مردم را با کمال و قلاحت به مواجهه‌ی با انقلاب، با نظام دعوت میکنند؛ این مردمی که نظام متکی به آنها است. اگر مردم پشتیبانی نظام، پشتیبانان نظام نبودند، این ماجرای به این اهمیت پیش نمی‌آمد، پیش نمیرفت؛ این قدر وقیحند که همین مردم را وادار میکنند یعنی تشویق میکنند، تحریک میکنند به مواجهه‌ی با نظام. مردم در مقابل این تبلیغات ایستادگی کنند، علیه این تبلیغات حرکت کنند. جوانها امروز در فضای مجازی فعالند؛ فضای مجازی میتواند ایزاری باشد برای زدن توی دهن دشمنان.

اما در مورد تحریمها. خب تحریم فشارهایی را به یک ملتی، به یک کشوری وارد میکند. تحریمی هم که علیه ملت ایران راه انداختند، خود آمریکایی‌ها با خوشحالی میگویند «در تاریخ سابقه ندارد»! بله، در تاریخ سابقه ندارد و ان شاء الله شکستی هم که آمریکایی‌ها در این قضیه میخورند، در تاریخ بی‌سابقه خواهد بود. ملت، دولت، مسئولین، همه، میتوانند کاری کنند که این تحریمها صدرصد به نفع کشور تمام بشود. همچنان که ما در دوران جنگ تحریم بودیم که سلاح انفرادی هم به ما نمی‌فروختند و یک وقتی گفتیم سیم خاردار هم به ما نمی‌فروختند، (۸) [اما] همین محرومیتها موجب شد استعدادها داخلی به کار بیفتد و از لحاظ وضعیت دفاعی به امروز برسیم که امروز در منطقه در سطح اولیم و از همه جلوتریم به توفیق الهی، و این به برکت تحریم بود؛ و الا اگر چنانچه از روز اول هرچه لازم داشتیم میرفتیم میخریدیم، به ما میدادند، پولهایمان را میگرفتند، به فکر نمی‌افتادیم که خودمان درست کنیم و به اینجا نمیرسیدیم. در همه‌ی قضایا همین جور است؛ جوانهای ما به من میگویند -و این را ثابت هم میکنند؛ فقط صرف ادعا هم نیست- که هیچ وسیله‌ای که کشور به آن نیاز دارد، از قطعه و غیر قطعه وجود ندارد که ما نتوانیم بسازیم؛ همه چیز را میتوانیم بسازیم؛ راست هم میگویند؛ در مواردی امتحان هم کردیم، دیدیم همین جوری است که میگویند. ما یک چنین ظرفیت انسانی‌ای داریم. بایستی ما کاری کنیم که این تحریم وسیله‌ای بشود برای شکوفایی، وسیله‌ای بشود برای رسیدن به قلّه‌ی ابتکار و کار در کشور. [باید] از محصول دیگران خودمان را بی‌نیاز کنیم و دیگران را محتاج محصول خودمان بکنیم؛ این کاری است که میتواند انجام بگیرد.

ما به توفیق الهی از این مسائل مربوط به تحریم و مشکلات [عبور میکنیم]؛ البته مشکلاتی به وجود می‌آورد، مشکلاتی هست، الان هم وجود دارد [اما] این مشکلات مال اول کار است؛ اگر دولت و ملت مقاومت کنند، هوشیاری به خرج بدهند، کار و تلاش کنند، دامن همت به کمر بزنند، ما مطمئناً از این مرحله با پیروزی عبور خواهیم کرد. همچنان که در جنگ تحمیلی با پیروزی عبور کردیم، صدام به خاک سیاه نشست و به درک اسفل رفت و جمهوری اسلامی شکوفاتر شد، دشمنان ما هم، آنهایی که در آمریکا و در اروپا و در غرب علیه ما اقدام میکنند، به درک اسفل خواهند رفت و جمهوری اسلامی ان شاء الله باقی خواهد ماند.

رحمت خدا بر روح مطهر امام بزرگوارمان که این راه را او در مقابل ما باز کرد. نصایح امام، وصایای امام را فراموش نکنیم؛ رحمت خدا بر روان پاک او باد و رحمت خدا بر روح مطهر شهدای عزیز ما که در این راه جان‌فشانی کردند و رحمت خدا بر کسانی که در این راه مجاهدت کردند تا امروز، و رحمت خدا بر شما مردم عزیز قم. سلام بنده را به بقیه‌ی برادران و خواهران قمی هم برسانید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته